

فرقشون چیه؟ lie و lay

Today's lesson is about the difference between

درس امروز در مورد فرق بین

to lay

to lay

to lie

to lie

and to lie.

و to lie هست.

It's not hard

سخت نیست

but a little bit confusing

اما یکم گیج کننده س

even for native speakers.

حتی برای بومی زبان ها.

To lay means

To lay یعنی

place carefully on a surface.

با دقت روی یه سطح گذاشتن.

For example:

برای مثال:

I lay this pen on the book.

من این خودکار رو روی کتاب قرار میدم.

Or

یا

please lay the gun on the ground sir.

لطفا تفنگ رو بذار رو زمین آقا.

Lay down your weapons!

اسلحه هاتون رو بذارید پایین!

Lay down your sword!

شمشیرت رو بذار پایین!

If you but lay down your arms

ولی اگه اسلحه هاتون رو بذارید پایین

The past tense is:

زمان گذشته ش اینه:

For example:

مثلاً:

My father laid his hand on my shoulder.

پدرم دستش رو گذاشت رو شونه م.

Or

یا

she was in pain

اون درد داشت

so we laid her down on the couch.

پس رو کاناپه گذاشتیمش.

we laid her down on her back

به پشت قرار دادیمش.

we laid her down

گذاشتیمش پایین.

We laid our weapons down

اسلحه هامون رو پایین گذاشتیم.

The past participle is:

شکل سومش اینه:

For example:

مثلا:

The bird has laid an egg.

پرنده تخم گذاشت.

I have laid the bag full of money on the ground.

من کیف پر از پول رو رو زمین گذاشتم.

I have laid an egg.

من یه تخم گذاشتم (گند زدم).

And the next word is:

و کلمه ی بعدی اینه:

This is a completely different word

این یه کلمه ی کاملاً متفاوت

and there is no connection within these 2 words.

و هیچ رابطه ای بین این دو تا کلمه نیست.

To lie means:

To lie یعنی:

to move to a horizontal position

به حالت افقی درآومدن

For example:

برای مثال:

for present tense

برای زمان حال

when I feel dizzy

وقتی سرم گیج میره

I lie down for a few minutes.

چند دقیقه دراز میکشم.

Today, I'm going to lie down on my bed

امروز میخوام رو تختم دراز بکشم

and watch Friends.

و فرندز تماشا کنم.

Lie yourself down!

دراز بکش! (استراحت کن)

Lie down Lie down

دراز بکش دراز بکش

Lie down before you hurt yourself!

قبل از اینکه به خودت آسیب بزنی استراحت کن!

Now the past tense of lie

حالت گذشته این فعل

is lay.

lay هست.

This is exactly why people get confused!

دقیقا واسه همینکه مردم گیج میشن!

They are written and pronounced the same

این ها به یک شکل نوشته و خونده میشن

but they are different words.

ولی کلمات متفاوتین.

Like Donald Trump and Donald Duck

مثل دونالد ترامپ و دونالد اردک

the spelling looks the same

املاشون یکیه

but one of them goes QUAK QUAK QUAK

ولی یکیشون کواک کواک میکنه

and the other one is Donald Duck.

و اونیکی دونالد اردکه!

For example:

مثلاً:

we lay on the ground and looked at the stars.

ما رو زمین دراز کشیدیم و به ستاره‌ها نگاه کردیم.

Or

یا

the dog lay under the desk and slept.

سگ زیر میز دراز کشید و خوابید.

That he lay down his life for his friends.

زندگیش رو بخاطر دوستانش فدا کرد.

When he lay in the coffin after his trolley accident!

وقتی که بعد از حادثه‌ی اتوبوس برقی تو تابوت خوابید!

The past participle is:

شکل سومش اینه:

which is hardly ever used

که به ندرت استفاده میشه.

I'll give you an example

براتون یه مثال میزنم

I came into the room

اومدم تو اتاق

and I saw someone has already lain on my bed.

و دیدم یکی رو تختم دراز کشیده.

I've lain awake nights thinking of you.

شبا از فکر تو بیدار موندهم.

And the third one is:

و سومی اینه:

which means not to tell the truth.

که یعنی نگفتن حقیقت.

For example:

مثلا:

My dad promised to take me to Disneyland

بابام قول داد منو ببره دیزنی لند

but he didn't, he lied!

ولی نبرد، دروغ گفت!

You lied to me

بهم دروغ گفתי

well she told me to!

خب اون بهم گفت دروغ بگم!

OK

خب

so now you've got 3 completely different words

خب الان تو ۳ تا کلمه ی کاملا متفاوت

which just sounds similar

که فقط شبیه به نظر میان داری

and there is no reason to get confused!

و دلیلی نداره که گیج بشی!

Thank you for watching

ممنون که تماشا کردید

before saying goodbye

قبل از خدا حافظی

I want you to do these practices.

ازتون میخوام این تمرینات رو انجام بدید.